

اسنادی ملی به نام صفحه های سنگی

صفحه های سنگی فارسی، اسنادی تاریخی با ویژگی های منحصر به خود و متعلق به دوره ای بالغ بر نیم قرن (۱۳۴۰-۱۲۸۴ش) هستند که تلاش برای حفظ و نگهداری آن ها، وظیفه ای ملی و خدمتی فرهنگی است. مسیر تولید صنعتی و عرضه این صفحه ها، از ضبط تا توزیع، تهیه و ارائه مدارک و مستندات را ناگزیر می ساخته که قابل اعتماد بودن و سندیت صفحه های سنگی را در قیاس با سایر اسناد تاریخی حتی لوله های فونوگراف (موجود در ایران)، افزون می سازد.

- ۱- صفحه های سنگی عمده ترین منابع شنیداری برای مطالعات زبان شناسی و گویش های مردم در مناطق گوناگون می باشند. مثلاً آثار ضبط شده گویای آن است که گویش هنرمندان مقیم تهران در فاصله سال های ۱۲۹۰ تا ۱۳۲۰ شمسی، دچار تغییرات فاحشی شده است.
- ۲- صفحه های سنگی ارزشمندترین اسناد در عرصه شناخت موسیقی کهن ایرانی می باشند، زیرا نقطه آغاز در حفظ و انتقال صنعتی عین موسیقی و نغمه هایی هستند که سال ها سینه به سینه و با روش استاد-شاگردی، نگهداری شده و حتی وضع خط موسیقی در گذشته و نوت نویسی های کنونی، قادر به حفظ و انتقال تمامی ظرایف آن نبوده است.
- ۳- صفحه های سنگی مآخذ مهمی برای پژوهش در فولکلور و فرهنگ مردم می باشند. بسیاری از آثار مطربی، سیاه بازی، تقلید، نمایش های تخت حوضی و حتی ترانه های کوچه بازاری که در صفحه های سنگی به یادگار مانده اند، حاوی اطلاعاتی بی بدیل در این عرصه اند.
- ۴- صفحه های سنگی اسنادی بکر در تاریخ بازیگری و نمایش در ایران می باشند. بخش هایی از اولین اپرت ها و نمایش های موزیکال، با اجرای برجسته ترین هنرمندان دهه آغازین قرن چهاردهم شمسی تا پیش پرده خوانی های دهه بیست، در این صفحه ها محفوظ اند.
- ۵- صفحه های سنگی حاوی نکاتی قابل توجه برای نگارش علمی تاریخ معاصر موسیقی و شرح حال و زندگی نامه و خاطرات هنرمندان می باشند.
- ۶- صفحه های سنگی منابعی خاص برای پژوهش در تاریخ سیاسی نیز هستند. اگر عکس های فراوان از مظفرالدین شاه را به درست اسنادی تاریخی تلقی می کنیم، آیا تنها سه نمونه باقی مانده از صدای وی، اسنادی تاریخی محسوب نمی گردند؟ آیا نظامنامه مقررات ضبط صوت در صفحات گرامافون که در

سال ۱۳۰۷ شمسی به تصویب هیئت وزرا می رسد و مقدماتی که به این مصوبه می انجامد، مسایلی سیاسی نیستند؟

۷- **صفحه های سنگی** در مقایسه با سایر اسناد تاریخی چون دستنوشته ها و عکس های قدیمی، از حیث تعداد

و امکان دسترسی بسیار محدود و کمیاب می باشند. تعداد آثار و مدارک خطی و دستنوشته های تاریخی متجاوز از صدها هزار برگه می باشد که به صورت کتب خطی و هنری، فرمان ها، اسناد، نامه ها و مدارک دولتی و چهره های سیاسی و نامه ها و مدارک بازرگانی و اسناد متبادله بین توده مردم نظیر عقدنامه ها و صلحنامه ها و غیره، مورد توجه مراکز دولتی ذیربط، اهل تحقیق و پژوهش و

کلکسیونرها می باشند. عکس های قدیمی نیز که بالغ بر یک دهه پس از تولد صنعت و هنر فتوگرافی،

از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری قمری، جای خود را در ایران باز کرده و به عنصری ثابت در

مستندسازی وقایع عصر تبدیل می گردد. گنجینه عکس های اصلی قدیمی ایران اعم از عکس های

آلبومخانه کاخ گلستان، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مرکز اسناد ملی و سایر آرشیوهای دولتی و

عکس های فراوانی که به صورت پراکنده در آرشیو های خصوصی و خانوادگی افزون از یکصد هزار

قطعه تخمین زده می شود و امکان جعل و مشابه سازی این عکس ها نیز به گونه ای وجود دارد که

تشخیص اصل و بدل برای عموم ممکن نیست. در مقام مقایسه باید گفت صفحه های فارسی ضبط

شده از هنرمندان ایرانی، تا پیش از جنگ جهانی اول که در عصر قاجار ضبط شده اند بالغ بر ۱۰۰۰

روی صفحه می باشد و با لحاظ کردن صفحه های فارسی ضبط شده در قفقاز، عثمانی و هند، نهایتاً

۲۰۰۰ روی صفحه می گردد که صفحه های باقی مانده از این مجموعه در آرشیو صدا و سیما و

آرشیوهای دیگر در ایران، به ۱۵۰۰ عدد بالغ نمی گردد. در بین دو جنگ جهانی (۱۳۱۹-۱۳۰۵) نیز که

عصر طلایی ضبط، تولید و فروش صفحه در ایران است، آمار صفحه های فارسی حدود ۲۴۰۰ روی

صفحه (۱۲۰۰ صفحه) می باشد که صفحه های باقی مانده از آثار این دوره نیز نزدیک به ۵۵۰۰ نسخه

برآورد می شود. صفحه های سنگی ضبط شده از هنرمندان ایرانی پس از جنگ جهانی دوم، ۲۶۵۰

روی صفحه، و تعداد صفحه به جا مانده، ۵۰۰۰ عدد تخمین زده می شود. آسیب پذیر بودن حاد صفحه

های سنگی در قیاس با سایر اسناد تاریخی، ما را با کاهش سریع و روزافزون این صفحه ها مواجه می

سازد و جمع آوری و نگهداری آن ها کاری علمی، دشوار و پر هزینه می باشد که اگر از نگهداری

سایر اسناد تاریخی دشوارتر نباشد، آسان تر نیست.

ماحصل کلام آن که **صفحه های سنگی** را که اسنادی ملی و میراثی فرهنگی می باشند دریابیم. (امیر منصور)